

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید

06 اگست 2014

## از هر کی آید سخن راست شنیدن باید!

شکل درست ضرب المثل بالا این است که "از هر کی دهد پند شنودن باید"، اما چون مبحث حاضر پیرامون سخنان کسی است که صحیح العمل و صحیح القول بودن وی به شکل پیوسته و با تجربه از جانب توده ها هنوز به طور قطعی تأیید و ثابت نشده است، باید گفته شود که او، به همین دلیل، هنوز در حدی نیست که به مردم پند دهد، و اگر او یا کسان دیگری خود را با خودبزرگ بینی که غالب انسان ها نسبت به خود دارند، مناسب چنین جایگاهی بدانند و بخواهند پندی به مردم بدهند، مردم با شناختی که از آن ها و خانواده های شان دارند، در حال حاضر و پیش از زمان دادن و زمان گرفتن و تجربه و شناخت کامل از آن ها، به پند و نصیحت آن ها قدر و منزلتی قایل نخواهند شد. بنابراین من تبدیلی در این ضرب المثل به وجود آوردم، تا عنوانی را که من انتخاب نموده ام، با در نظر داشت آن چه در این جا نقل می گردد، در تناقض با ضرب المثل راستین و اولیه قرار نگیرد.

سخن بر سر صحبت های خانم **فتانه گیلانی**، خانم **انور الحق احدی**، وزیر مالیه سابق و رهبر حزب قومگرای "افغان ملت" - "افغان سوسیال دموکرات" - و دختر پیرسیداحمد گیلانی مشهور به "افندی جان آغا"، رهبر سلسله صوفیان قادریه، و در دوران جهاد رهبر تنظیم محاذ ملی، یکی از سه تنظیم طرفدار شاه، به دلیل خویشاوندی که این خانواده با خانواده شاه داشتند و با پیروی از سیاست دیرینه انگلیس در کشور های پادشاهی، است.

من بخش های از صحبت وی را در ارتباط با رویداد های کشور طی سیزده سال گذشته در این جا آورده و در آخر در یک سطر خواهم نوشت که چرا من این عنوان را برای این مقاله انتخاب کرده ام. توجه کنید به بخش ها، یا عباراتی از صحبت وی:

- در طول 13 سال حکومت کرزی، افغانستان در صدر فساد و مواد مخدر در دنیا قرار گرفت. مردم همواره فقیرتر و اوضاع امنیتی نیز بدتر شد. کمک های جامعه جهانی متأسفانه با نبود مدیریت صحیح و وجود فساد اداری گسترده ثروتمندان و دزدان را ثروتمندتر ساخت و فقر اقتصادی مردم را بیشتر. در حالی که پایان روزهای حکومت رئیس جمهور کرزی می رسیم که هر روز حملات وحشیانه طالبان مردم بیگناه را به کشتن می دهد و حکومت همچنان به رهائی زندانیان طالب می پردازد.
- ای کاش بازی خاینانه در انتخابات افغانستان صورت نمی گرفت و می گذاشتند رئیس جمهور آینده با رأی پاک مردم افغانستان انتخاب شود.

- نظر به این که دشمنان و مخالفان حکومت افغانستان در پشت دروازه های کابل هستند هر قدر که روند انتخابات زودتر خاتمه پیدا کند به نفع ملت و کشور است.
  - افزایش ناامنی، فقر و بیچارگی مردم افغانستان مربوط به چند ماه اخیر نمی شود و در طول 13 سال که حدود 60 کشور به افغانستان آمد، تداوم داشته است. تحلیلگران و نخبگان در کجا هستند که مردم افغانستان یکسره در تشویش و فقر و ناامنی به سر می برند، مرد و زن و کودک در جنگ ها کشته و معلول شدند و زن ها بیوه و اولادها یتیم گشت. این نخبه ها کجا بودند که فساد و مواد مخدر در افغانستان به اوج خود رسید ولی کسی صدای اعتراض خود را بالا نکرد.
  - مردم افغانستان در انتخابات اخیر کار خود را به خوبی ایفاء کرده و رأی دادند اما جام زهر را اعضای پشت پرده تقابل و کمیسیون انتخابات به مردم نوشانده است. متأسفانه تیم تحول و تداوم در قبال تقابل کمیسیون و اشخاص ساکت ماند ولی مردم در اعتراض به تقابل گسترده و سازماندهی شده در انتخابات در خیمه لوی جرگه جمع شدند و آواز خود را بلند ساختند. این بیانگر رشد مدنیت در مردم افغانستان است. خدا به مردم افغانستان توانائی بدهد تا از طریق حرکت های مدنی به خواست های به حق خود برسند.
  - افزایش فساد و مواد مخدر و ناامنی در کشور و مشکلات اقتصادی را بر عهده رئیس جمهور کرزی و امریکا دانست و گفت: امریکا به عنوان کلان ترین کمک کننده حکومت فعلی در این مشکلات دست دارد زیرا امریکا چنین حکومت غارتگری را در افغانستان حاکم ساخت و از اشخاصی حمایت کرد که فقر و ناامنی مردم را نادیده گرفته، در عیش و نوش به سر می بردند. جامعه جهانی نباید به حکومت فاسد کمک کند.
  - مردم بازیگران و خیانتکاران پشت پرده را شناخته اند و من یقین دارم در حکومت آینده که مردم در مقابل بی عدالتی و ظلم حکومت بی تفاوت و آرام نمی نشینند و حق خود را از گلولی مقامات حکومتی فاسد خواهند گرفت. در این صورت افغانستان یک قدم به سوی دموکراسی و آزادی پیش خواهد رفت.
- من در حالی که تمام سخنان خانم فتانه گیلانی را در مورد کرزی و تقریباً اکثریت اعضای مجلس نمایندگان و مجلس سنا و دستگاه قضائی کشور، اگرچه او از این سه نهاد به صراحت نام نبرده است، وجود مافیا های رنگارنگ، زورگویی زورمندان، تولید و قاچاق مواد مخدر، انواع فساد، فقر و تنگدستی مردم، ناامنی و ترور و تروریسم و طالب و جنگ و... تأیید می کنم، می خواهم به نقد گفته های وی، که در بالا نوشته شده است، بپردازم:
- نکته اول:
- هر چند وضعیت سیزده سال گذشته کشور و همکاری کرزی با اشخاص و گروه های مختلف زشت کردار از دید هیچ انسانی پنهان نیست، ولی شنیدن این حقایق از زبان کسی که به یک خانواده محافظه کار تعلق دارد و شوهر و برادر خودش هم جزئی از این "اپارات" متعفن بوده اند و هستند، و در طول حیات شان وابستگی عمیقی به یک خانواده و قوم وی داشته اند، امری است بسیار تازه، و در عین زمان امیدوار کننده برای آینده کشور.
- یاد آوری چنین انتقاد های اعتراض آمیز و دفاع از دموکراسی از زبان مردمان بادرک، با عاطفه، دشمنان نظام های فاسد و استبدادی، دشمنان حاکمیت هائی که بر پایه قوم گرایی به وجود آمده اند یا به وجود می آیند، حاکمیت های بی اعتنا به مردم بینوا و فقیر و نادار، حاکمیت های ضد توسعه و ترقی و ضد عناصر روشن و مترقی و متجدد و متمدن، حاکمیت های دشمن مردمسالاری و نظام شهروندی، امری است کاملاً عادی، اما شنودن انتقاد های

تند و صریح از زبان کسی که به خانواده ای تعلق دارد که گذشته از سنتی بودن آن، از پدر پدر در خدمت شاهان (گیلانی ها از زمانی که در سده نوزدهم به اشاره انگلیس ها از پاکستان به افغانستان آمدند، تا سقوط ظاهرخان، با استفاده از نام دین و مذهب و نفوذ روزافزونی که در بین مردم خوش باور و مسلمان افغانستان پیدا کردند، در خدمت شاهان جابر و بیگانه از مردم قرار داشته اند) امری است بسیار بسیار شاذ و نادر.

من این موضع گیری خانم گیلانی را در قبال مسائل سیاسی - اجتماعی - امنیتی کشور، به شرط این که این هم یک بازی سیاسی و هموار کردن راه غرض رسیدن به قدرت سیاسی خود خانم گیلانی یا شوهرش در آینده نباشد، تحسین کرده می افزایم که جداً آرزو دارم که در میان منتقدین ما افغان ها هم، به حکم وجدان، بیشتر کسانی پیدا شوند که مانند روسانی که از بیداد روس، امریکائیانی که از بحرانی ساختن اوضاع تمام جهان به وسیله امریکا، ایرانیانی که از قتل ها و مظلومیت هزاران مهاجر افغان در ایران و یهودیانی که از سیاستمداران جنایت پیشه اسرائیلی به دلیل جنایات آشکار و غیر انسانی آن ها عیله فلسطینی های بی دفاع نقد و اعتراض می کنند و آن چه را که نادرست، نامعقول و خلاف حق و حقیقت است، می گویند و محکوم کنند، روزی بر کنار از تعلقات خانوادگی و قومی و دینی و مذهبی و سمتی و لسانی و نژادی به صراحت و بدون کم و کاست و بدون اخفا و اختداع، همانگونه که امروز خانم فتانه گیلانی به گفتن یک سری حقایق مبادرت ورزیده است، بگویند.

فکر می کنم، امیدوار هستم که اشتباه نکرده باشم، خانم گیلانی هم کوشش می کنند که راه انسان های، مانند "رابرت دینیرو"ی امریکائی، "راجر واترز" و "پیک میسون" انگلیسی همکار گروه موسیقی پینک فلوید، "جانی دب" هنرپیشه هالیوود، "ژان لوک گودارد"، "هانا مارون" هنرپیشه اسرائیلی و ده ها انسان واقعی و با احساس و با عاطفه ای دیگر را تعقیب کنند.

اگر حدس و گمان من درست باشد، توقع دارم او در این اقدام و در این راه موفق و پیروز باشد. به عکس زیر یهودی ای که شعاری را علیه اسرائیل، سرزمین آبائی اش بلند کرده است، نگاه کنید:



همه انسان ها بد و دیوانه و هار و قوم پرست و کور ذهن و بی وجدان و متعصب و ناانسان نیستند!

همچنان به گزارش ذیل از "امریکا؛ نگاه نو" و تصویری که به دنبال آن می آید دقت فرمائید:

"رسانه های غربی روز پنج شنبه گزارش دادند که دهها "روشنفکر سرشناس اسرائیلی" با انتشار بیانیهای حمایت خود را از تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی در کنار اسرائیل اعلام کرده اند. به اعتقاد این افراد چنین کشوری باید در مرزهای سال ۱۹۴۷ تأسیس شود، چیزی که خواسته تشکیلات خودگران نیز هست. در جریان جنگ پنج روزه سال ۱۹۴۷ بود که ارتش اسرائیل کرانه باختری را از سرزمین اردن و نوار غزه را از مصر اشغال کرد. به گزارش این خبرگزاری ها، روشنفکران برجسته اسرائیلی با امضای سندی گفته اند که "پایان قطعی اشغال"

سرزمین‌های فلسطینی باید مبنایی باشد برای رهایی و آشتی دو ملت اسرائیلی و فلسطینی. در میان امضاءکنندگان نامه، نام ۱۷ نفر از برندگان عالی‌ترین جایزه دولتی اسرائیل دیده می‌شود که سالانه به افرادی با دستاوردهای بزرگ علمی و فرهنگی اعطا می‌شود. در بیانیه گفته شده است: «از تمام کسانی که به آزادی برای همه انسان‌ها معتقد هستند تقاضا می‌کنیم که از اعلام دولت فلسطین حمایت کنند.» نویسندگان نامه می‌گویند که آن را از یک "دیدگاه صهیونیستی" امضاء کرده اند. در بیانیه آمده است: «سرزمین اسرائیل میهن یهودیان است و خاک فلسطین میهن فلسطینی‌هاست که در آن هویت آنها شکل گرفته است.» امضاءکنندگان بیانیه درخواست کرده‌اند: وقت آن است که به وعده پایه‌گذاران کشور اسرائیل که در قانون اساسی ثبت است، عمل شود: «ما به سوی تمام دولت‌های منطقه و ملت‌های همسایه دست دوستی دراز می‌کنیم.» نویسندگان بیانیه قصد دارند بعد از ظهر پنجشنبه (۲۱ اپریل) در برابر "تالار استقلال" در تل آویو گرد آیند و حمایت مردم را از بیانیه خود جلب کنند. در همین مکان بود که داوید بن گوریون در سال ۱۹۴۸ تأسیس دولت اسرائیل را اعلام کرد. انتظار می‌رود که متن بیانیه توسط هانا مارون، مشهورترین هنرپیشه اسرائیل و برنده جایزه دولتی اسرائیل قرائت شود.



در این عکس یکی از روشنفکران سرشناس اسرائیلی که در حال برافراشتن بیرق فلسطین بر بلندی در خاک‌های اشغالی فلسطین و مشرف به سرزمین اسرائیل است، دیده می‌شود.

نکته دوم:

این خانم، خلاف خیلی از خانم‌های دیگری که فقط دوست دارند لفاظی کنند، یا به دستور و فرمایش بنویسند و یا بدون این که صدای وجدان شان را بشنوند سخن می‌زنند، به جای پنهان کاری و سکوت از تقلب در انتخابات، مانند یک انسان و یک افغان مسؤول، آرزو می‌کنند که ای کاش بازی خایانه در انتخابات افغانستان صورت نمی‌گرفت و می‌گذاشتند رئیس جمهور آینده با رأی پاک مردم افغانستان انتخاب شود. چنین حرفی وجدان و شهادت می‌خواهد!

نکته سوم:

او، با مسؤولیت، درک و اعتراف می‌کند که دشمنان افغانستان در پشت دروازه‌های کابل رسیده‌اند. بناءً تأکید دارد که مسأله انتخابات جدی گرفته شود، ولی هیچ یک از افرادی که مسؤول شمارش و بررسی و نظارت آراء هستند، به شمول دولت و رهبران دو تیم، به ویژه تیم احمدزی که از پذیرش و عملی ساختن قواعد یک دستورالعمل جامع و مانع برای ابطال آرای تقلبی سر باز می‌زنند، در این راستا هیچ احساس مسؤولیت نشان نمی‌دهند. **این تیم می‌گوید: شمارش مجدد: آری؛ اما ابطال آرای تقلبی بر پایه معیارهای معقول تخنیکی: نه!**

از این تیم باید پرسیده شود که وقتی آرای ناپاک از آرای پاک تفکیک و باطل اعلام نشود، فایده شمارش آرا چه است؟ برای چه باید وقت و پول اضافی مصرف گردد و به بیشتر از دو هزار و چهار صد نفر افغان و خارجی، به

نام ناظر، زحمت داده شود؟ چرا و از چه ترس دارید؟ *این جاست که ضرب المثل "خان خانف است"، صدق پیدا می کند!!*

نکته چهارم:

در مورد افزایش ناامنی ها و فقر و بیچارگی مردم، خلاف آنچه کرزی و حامیان گوناگون وی می گویند، این خانم با مسئولیت تمام می افزاید که این مشکلات و ناامنی ها و فساد و غیره و غیره، هیچ کدام، پدیده های نوی نیستند؛ بلکه در طول سیزده سال، با آن که کمابیش 60 کشور خارجی در افغانستان حضور داشت، هم مشکل داشتیم، هم با فقر و بینوائی دست به گریبان بودیم، هم امنیت نبود، هم جنگ و انتحار و قتل و قتال بود، هم فساد بود، هم زورگوئی، هم غضب اموال و دارائی های مردم وجود داشت، و هم اختطاف و تجاوز، هم روزگزرانی در مجلسین و قضا و اداره ای که کرزی مسؤول آن بود، هم بی قانونی، هم زد و بند های آشکار و پنهان ننگین و شرم آور با کشور های بیگانه و دشمن و... و از تحلیلگران و نخبه های کشور می پرسد که مردم افغانستان یکسره در تشویش و فقر و ناامنی به سر می برند، مرد و زن و کودک در جنگ ها کشته و معلول شدند و زن ها بیوه و اولاد ها یتیم گشت. این نخبه ها کجا بودند و کجا هستند که فساد و مواد مخدر در افغانستان به اوج خود رسید، ولی کسی صدای اعتراض خود را بالا نکرد.

وقتی این خانم را، کسی را که از یک فامیل کاملاً محافظه کار و سنتی سر بلند کرده است، با بسیاری از کسانی که خود را خبره و نخبه و فرهیخته و روشنفکر و مترقی و متجدد و آزادمنش به حساب می آورند، مقایسه می کنیم، می بینیم که این ها چقدر از نخبه گرایی و فرهیختگی و روشنفکری و ترقی خواهی و تجدد طلبی و انسانیت دور افتاده اند؛ کسانی که با تمام وجود بر اثبات تقلب، به جای تقبیح تقلب و بی احترامی به آرای مردم، پا می فشارند. یا روشنفکرانی که به بهانه محکوم کردن انتخابات یک کلمه هم در مورد نا بسامانی های مرتبط به چهار پنج ماه گذشته در کشور و حقوق همین مردمی که برای دفاع از آن ها برخاسته اند و می خواهند برای آن ها جامعه ای عاری از فساد و استثمار را ایجاد کنند، که امر پسندیده ای است، بر زبان نمی آورند؛ چنانکه گویی این رویداد ها که در کشور ما رخ می دهد و یک عالم تأثیرات منفی در قبال دارند، به ما و به مردم ما هیچ ارتباط نمی گیرد و هیچ انسانی از آن متأثر نمی شود؛ و فقط یک مسأله برای ما و برای مردم ما وجود و اهمیت دارد و همه چیز به آن بر می گردد: امریکا و سرمایه؛ و دیگر هیچ! آیا پنج - به گفته هفت - میلیون افغانی که به حوزه های رأی گیری رفتند و رأی دادند، در محاسبه های این روشنفکران به حساب مردم گرفته می شوند یا خیر؟

نکته پنجم:

او با گفتن این حقیقت: "مردم افغانستان در انتخابات اخیر کار خود را به خوبی ایفاء کرده و رأی دادند اما جام زهر را اعضای پشت پرده تقلب و کمیسیون انتخابات به مردم نوشانده است." و افزودن سه جمله زیر:

**"متأسفانه تیم تحول و تداوم در قبال تقلب کمیسیون و اشخاص ساکت ماند ولی مردم در اعتراض به تقلب گسترده و سازمادهی شده در انتخابات در خیمه لوی جرگه جمع شدند و آواز خود را بلند ساختند. این بیانگر رشد مدنیت در مردم افغانستان است. خدا به مردم افغانستان توانادی بدهد تا از طریق حرکت های مدنی به خواست های به حق خود برسند."** باوجود این که پدر و شوهر و برادرش از بلند پایه ترین اعضای تیم تحول و تداوم، تیم احمدزی، و از حامیان سرسخت و قوی وی هستند، نشان داد که کسانی هم در این کشور یافت می شوند که با همه سنتی بودن، با آن که در یک خانواده محافظه کار بزرگ شده اند و با همه تعلقاتی که با پدر و شوهر و برادر و خانواده های آن

ها و محیط اجتماعی و دستگاه سیاسی منحط در گذشته و امروز داشته اند، از گفتن حق و ادای مسئولیت کوتاهی نمی کنند و از این باک ندارند که کی خوش می شود و کی خفه!

این شهادت و صراحت در گفتار و قضاوت، نشان می دهد که این خانم به خود و به نفس خود اعتماد دارد و به جایگاه مستحکمی که برای خود در محیط باز کرده است کاملاً باور دارد.

اعتماد به نفسی که او از خود نشان می دهد، نمایانگر آن است که او مانند کسانی که از روی بی اعتمادی به خود یا از ترس این که مبدا از سوی حلقه ای که آن ها در آن قرار دارند در انزوا قرار گیرند، دست به خود سانسوری می زنند و برای خوشی این و آن قلم می چرخانند و کاغذ سیاه می کنند و واقعیت ها را شرمگینانه می پوشانند، نیست، و تمرین آزادی و استقلال و مسئولیت پذیری می کند!

نکته ششم:

گفتن این حقیقت که گناه همه نارسائی ها و کجروئی ها و خلاف رفتاری در افغانستان بدوش کرزی و امریکا است، در حالی که خود و شوهر و برادرش مهره های همین دولت و حامی امریکائی آن هستند، یا بودند؛ امری است قابل تأمل.

منتها من در این جا این نکته را اضافه می کنم که امریکا نه تنها در ناآرامی ها، در شورش ها، در جنگ ها، در خرابی ها، در تروریست پروری ها - مضمون **"اعترافات تکان دهنده کلینتن درباره گروه های تکفیری" را، که شمه ای از اعترافات صد ها سیستم دار غربی در باب تلاش های امریکا برای بی ثباتی جهان است، در "افغاننامه" بخوانید -** و در کشتار های گونه گون در افغانستان دست دارد؛ که مسؤول درجه یک تمام ناآرامی ها و بی ثباتی ها به وسعت جهان نیز است.

دست امریکا امروز در هر جای دنیا، در لیبیا، در عراق، در سوریه، در یمن، در اوکراین، در مصر، در فلسطین، در سودان، در لبنان در افغانستان و... و در پشت سر اسرائیل به خوبی نمایان است. در هر خرابی و جنگی که در دنیا وجود دارد، دست امریکا به وضاحت دیده می شود. این نکته را نباید نادیده گرفت.

از روزی که جهان یک قطبی شده است، هر بحران و جنگ و خون ریزی و ناآرامی و حرمان و حسرتی که در هر کجای دنیا دیده می شود، مسؤول آن تنها و تنها امریکا و شرکایش می باشد. این که من به خاطر نیامدن طالب مجبور به نوشیدن جام زهر شده ام، دلیل نمی شود که من بر سیاست توسعه طلبانه و کشور گشایانه امریکا مهر تأیید بگذارم!!

نکته هفتم:

او با فراستی که دارد پیش بینی می کند که حکومت آینده هم یک حکومت غیر عادل، ظالم و فاسد خواهد بود که با بازی گری و خیانت های پنهان به قدرت می رسد، ولی مردم در برابر این حکومت بی تفاوت و آرام نمی نشینند و حق خود را از گلوی مقامات حکومت فاسد خواهند گرفت. و افغانستان باز هم یک قدم به سوی دموکراسی و آزادی پیش خواهد رفت.

من مطمئن هستم که احمدزی بالاخره از راه تقلب و یاری متقلبین درون و بیرون ارگ و درون و بیرون کمیسیون ها، و در تنگنا قرار دادن جامعه جهانی، هر قدر عبدالله خود را به زمین و زمان بزند، در انتخابات پیروز اعلام خواهد شد.

چنین پیروزی بدون شک، همان گونه که خانم فتانه گیلانی گفته است، نتیجه بازیگری و خیانتی است که تیم احمدزی بدان دست زده است. و حکومتی که به وجود می آید، مانند حکومت کرزی یک حکومت فاسد خواهد بود،

منتها این بار مردم در برابر این حکومت فاسد، آنگونه که در برابر حکومت کرزی خاموشی اختیار کرده بودند، سکوت نخواهند کرد و بی تفاوت و آرام نخواهند نشست. مردم حق خود را خواهند ستاند، از دموکراسی نگهبانی خواهند کرد و آن را از گزند مردمان ظاهراً طرفداران دموکراسی، نجات خواهند داد.

نویسنده این مقاله هم به همین باور است که چنین امری - رشد و تقویۀ مردمسالاری - قابل بازگشت نخواهد بود - مگر این که طالب دو باره به قدرت برسد. این راه به هر شکلی که هست تا استقرار یک نظامی که موجد و حامی و بانی آن همه مردم دردمند و بینوای کشور، با درک عمیق از تغییر واقعی، با درک از حقوق و نیرو و توان شان، باشند، ادامه خواهد یافت.

رویداد های سه - چهار ماه گذشته هم به نحوی برای مردم، به طور اخص، سازنده بود؛ زیرا در اکمال شناخت مردم از انسان ها بسیار مثمر بوده است. عبدالله را قبلاً مردم می شناختند، اما احمدزی، اگرچه ماهیت وی تا حدودی شناخته شده بود، این استاد دانشگاه های امریکائی و نویسنده چندین کتاب و دومین دانشمند جهان و گاندی افغانستان، مردی ظاهر الاصلاح و مردی که به گفته برخی ها ده ها خصلت پسندیده دیگر دارد را هم مردم شناختند؛ شناختند که چنین انسانی هم، حتی اگر شبیه پیامبران باشد، می تواند در مبارزه برای رسیدن به قدرت از هر گونه فریب و توطئه و تقلب و قانون شکنی کار بگیرد و از بدترین انسان ها هم بدتر ثابت شود. تجربه ها به مرور زمان، از خوب بد وقایع و انسان ها، متراکم می شوند!

در اخیر خواهش من این است که همواره ببینید که سخن چیست، نه این که از کدام دهن بیرون می شود!!

2014/08/05